

بهر روز نورانی پور از فیلم «دایان» به «صبا» می‌گوید

# تداعی ترومای جنگ!

گروه سینما

گفت و گو

فیلم سینمایی «دایان» به کارگردانی بهروز نورانی پور، اثری در ژانر سینمای جنگ، به تازگی روی پرده سینما رفته است. این فیلم که تاکنون در جشنواره‌های مختلفی حضور پیدا کرده با توجه به شرایط ملتهب منطقه در چند سال اخیر، به موضوع ترس و وحشت اقدامات گروه تروریستی داعش در کردستان می‌پردازد. فیلم در جشنواره مقاومت توانست مورد توجه قرار بگیرد و ناصر بابائیان؛ هنرمند پیشکسوت مهابادی، برای بازی در این فیلم توانست تندیس بهترین بازیگر جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت را از آن خود کند. با بهروز نورانی پور؛ کارگردان و نویسنده این اثر، گفت‌وگویی داشتیم که در ادامه می‌خوانید.

باتوجه به مضمون و قصه فیلم که به جنگ و التهابات سال‌های اخیر می‌پردازد اولین سوالی که در ذهن شکل می‌گیرد این است که ساخت فیلم «دایان» تا چه اندازه به انگیزه‌های شخصی شما برمی‌گردد یا پای سفارش دهنده در میان بوده است؟

«دایان» در ادامه سه‌گانه‌ای بود که من مدت‌ها پیش اقدام به ساخت آن کرده بودم و به‌نوعی هر سه این آثار داکیودرام‌هایی بودند که فضای جنگ را تداعی می‌کرد. «دایان» فیلمی در کنترل سفارش دهنده نبود مضاف بر این‌که در سینمای تمام دنیا سفارش دادن برای ساخت یک فیلم انگ نیست. با این همه «دایان» فیلم سفارشی نبود. در طول ساخت فیلم «ای ۱۵۷» فضایی را تجربه کردم که موجب ایجاد انگیزه ساخت فیلم «دایان» شد. در ابتدا قصد داشتم از این سوژه مستندی بسازم اما کمی که گذشت بنا را بر این گذاشتیم تا فیلمی داستانی از چنین سوژه‌ای بسازیم، حدود دو سال نگارش فیلمنامه این اثر طول کشید. فضایی که شما در حال حاضر در فیلم «دایان» می‌بینید فضایی بکر و وحشی است که ترومای جنگ را تداعی می‌کند؛ بزنگاهی که افراد باید تصمیم بگیرند و چاره‌ای جز تصمیم‌گیری در شرایط ملتهب ندارند.

اما فیلم «دایان» با این‌که در دسته آثار سینمای جنگ قرار می‌گیرد اما فیلم توپ و تانک نیست و نگاه خود را به نمایش آسیب‌های جنگ و صدمات آن معطوف کرده است، معمولا این جنس آثار در سینمای جنگ کمتر ساخته می‌شود!

«دایان» فیلمی است که بدون شلیک گلوله فضای جنگ را به پیش می‌برد. جنگ دو لایه دارد: یکی لایه ظاهری و دیگری لایه درونی و عمیق جنگ است که اتفاقا همین لایه درونی بسیار ماندگار و دردناک‌تر از لایه ظاهری جنگ بوده است. بیشترین آسیبی که جنگ به بشریت وارد می‌کند مربوط به همین لایه دوم جنگ است. در واقع با لایه دوم جنگ، جهان به کما فرو می‌رود، زنان، کودکان و... کسانی هستند که به همین واسطه آسیب بسیاری می‌بینند بی‌آنکه با جنگ، میدان جنگ و دشمن ارتباط مستقیم و تن به تنی داشته باشند اما همین بعد از جنگ است که تلفات بسیاری را با خود به همراه می‌آورد.

خودتان از لفظ داکیودرام استفاده کردید پس قطعاً پای بهره‌گیری از مستندات نیز در میان بوده، چند درصد از روایتی که در فیلم «دایان» مطرح می‌شود با استناد به واقعیت بوده است و تا چه اندازه از مابه‌ازاهای بیرونی و واقعی وام گرفتید؟

هشتاد درصد فیلم «دایان» برگرفته از واقعیتی در متن جنگ بوده است، اما طبیعتاً حق دخالت و نقش‌آفرینی در سناریو کاملاً وجود دارد. به هر حال واقعیت برای تبدیل شدن به فیلمنامه یک فیلم داستانی باید دراماتیزه شود. در نتیجه در حالی‌که واقعیت‌های جنگ را مد نظر قرار داده بودیم اما به‌عنوان نویسنده بنا بر قاعده‌ای که در نگارش وجود دارد در جهت خلق موقعیت دراماتیک و به‌منظور اثرگذاری روی مخاطب و همراه کردن او اقداماتی روی روایت انجام دادیم. همان‌طور که گفتم «دایان» به سراغ لایه دوم و درونی‌تر جنگ رفته است و توحش یک ایدئولوژی و سایه آن را که

بر زندگی عده‌ای به‌خصوص زنان و کودکان چیرگی دارد به تصویر می‌کشد.

در میانه‌های صحبتتان به این موضوع اشاره کردید که ابتدا به ساکن قصد داشتید با توجه به این سوژه و پرداخت به آسیب‌ها و صدمه‌های جنگ اثری مستند تولید کنید اما در نهایت تصمیم‌تان تغییر کرد و فیلمی داستانی ساختید، به نظر‌تان تاثیر گذاری این سوژه در ابعاد یک فیلم داستانی بیشتر بوده است؟

اگر «دایان» را در قالب یک فیلم مستند می‌ساختم دیگر هیچ‌وقت امکان نمایش برخی لحظات که در حال حاضر در فیلم وجود دارد، پیش نمی‌آمد. یک به یک تصاویر این فیلم بازسازی شده از واقعیت است اما قصه‌گویی و سینمای داستانی این قابلیت را به من داد تا لحظاتی را روایت کنم که در اثر مستند امکان پرداخت به آن وجود نداشت. من و همکاران شبانه‌روز تلاش کردیم، صحنه‌ها و فیلم‌های واقعی را با دقت تماشا و آنالیز کردیم تا بتوانیم بازسازی درستی از واقعیت را در فیلم به نمایش بگذاریم و اجرای حقیقی داشته باشیم.

باتوجه به تلاشی که کردیم خوشبختانه یکی از نقاط قوت فیلم «دایان» این است که داکیودرامی پرانرژی از آب درآمده و مخاطب با تماشای آن به لحظه‌ای سفر می‌کند و همراه می‌شود که در واقعیت وجود داشته است.

اما فیلم شما در برهه‌ای فرصت اکران پیدا کرده که زمان مطلوبی نیست، بعد از جشنواره فجر و قبل از تعطیلات نوروز زمان خوبی برای اکران هر نوع اثری نیست. در این میان فیلم شما جزو آثار سینمای جنگ است که متأسفانه عموم مخاطبان سلیقه و اولویت انتخاب‌شان به سمت فیلم‌های کمدی رفته است و چندان برای دنبال کردن ژانرهای دیگر رغبتی ندارند، با این تفاسیر شما مجبور به اکران فیلم در این برهه زمانی شده‌اید؟

شما صحبت درستی کردید اما من مقصر ذائقه مخاطب نیستم، مقصر نیستم که مخاطب امروز تنها یک ژانر را تماشا می‌کند. آیا سینما فقط محدود به یک زبان و ژانر خاص است؟ آیا تولیدات سینمای مختلف دنیا فقط مصرف داخلی دارد؟ آیا این نوع از زبان طنزی که در کشور ما مخاطب دارد می‌تواند یک وجب آن طرف‌تر از مرزهای ما تماشاگر را با خود همراه کند؟ حتی زبان طنز ما نیز زبان عمومی و بین‌المللی نیست. کجای دنیا به فیلم‌های کمدی ما می‌خندند؟ من مقصر تربیت ذائقه مخاطب نیستم و شما باید از کسی که سلیقه مخاطب را به این سمت و سو هدایت کرده سوال کنید. آیا سینمای ما نیاز ندارد در عرصه‌های بین‌المللی حضور پیدا کند و دیده شود؟ نیاز دارد اما چیزی که در حال حاضر وجود دارد نامش سینما نیست. سینما باید جهان‌شمول باشد اما آنچه در حال حاضر مردم انتخاب می‌کنند یک چیز محفلی است نه جهان‌شمول! قبول دارم فیلم من در زمانی مرده و شرایطی سخت اکران شده است؛ در شرایطی که همه برای توجه کردن به یک فیلم به دنبال سلبریتی هستند و همین سلبریتی‌ها آنچنان هزینه تولید یک فیلم را بی‌جهت بالا می‌برند که دیگر کسی جرأت فیلم ساختن نمی‌کند. ما پدیدآورنده سینما نبودیم، سینما را کسانی دیگر پدید آوردند و قواعد و قوانینی برای آن در سراسر دنیا وجود دارد اما ما چقدر توانستیم در همین جهت موفق باشیم؟ این آثار طنزی که در سینمای ما میلیاردها تومان فروش دارد در سینمای دنیا چه جایگاهی دارند؟ آیا می‌تواند ملت دیگری را درگیر کند؟ متأسفانه یا خوشبختانه فقط قشر متوسط جامعه ما مشتری گیشه هستند و اتفاقاً عده‌ای بدشان نمی‌آید سلیقه مخاطب در همین حد باقی بماند.